

ما و شکم و مغز مشترک سرمایه‌داری استعماری!

نوشته دکتر شاپور رواسانی

ما در این انبار گندم می‌کنیم
گندم جمع آمده گم می‌کنیم
می‌نندیشیم آخر ما به هوش
کاین خلل از گندم است از مکر موش
موش تا انبار ما حفره زده است
و زفش انبار ما ویران شده است
اول ای جان دفع شر موش کن
وانگه اندر جمع گندم جوش کن
(مولوی)

در جنبش مشروطه تصور و امیدواری قاطبه مردمی که در اعتراضات اجتماعی و مبارزات مسلحانه علیه سلطنت استبدادی قاجار و سلطه اشراف، درباریان و زمین‌داران بزرگ شرکت کردند این بود که با تشکیل مجلس شورای ملی، تقسیم قوا و اجرای قوانینی که به تصویب نمایندگان مردم می‌رسد، ضوابطی که مورد قبول اکثریت جامعه است، جای روابط استعماری، ظالمانه و غارتگرانه را خواهد گرفت و نه فقط مردم از آزادی‌های سیاسی و اجتماعی برخوردار می‌شوند، بلکه مشکل اصلی و اساسی جامعه ما، یعنی فقر اقتصادی عامه نیز به تدریج، اما به طور حتم و یقین، برطرف می‌شود و جامعه ایرانی از بلای فقر - که بزرگ‌ترین استبدادهاست - با استقرار عدالت اجتماعی رهایی می‌یابد. امید این بود که با استقرار قانون، دوران سلطه یک اقلیت فاسد و غارتگر حاصل کار مردم زحمتکش شهری و روستایی

و عواید فروش مواد معدنی (نفت) و محصولات کشاورزی به کشورهای سرمایه‌داری استعماری را به جیب می‌زند و با سپردن مقامات اداری و نظامی به خویشاوندان و دوستان، به حق حیات مردم تجاوز و به امانت مردم خیانت می‌کند پایان می‌یابد و دیگر شرکت‌ها و سازمان‌های مالی کشورهای استعماری بر حیات اقتصادی و سیاسی جامعه مسلط نخواهند بود.

اما وقایع بعدی اثبات کرد که عامه مردم زحمتکش ایران که با صفا و صداقت، وعده‌ها و شعارهای رهبران مشروطه را پذیرفته و برای وصول به آرمان‌های شریف و انسانی فداکاری کرده بودند به اهداف خود نرسیدند و جامعه ما هم چنان تحت سلطه طبقه سرمایه‌دار وابسته به استعمار که خود را برای منافع طبقاتی تحت شرایط جدید، در همه زمینه‌ها در خدمت استعمار قرار داده بود باقی ماند و تغییرات سیاسی و تاحدی اجتماعی پس از مشروطیت، موجب رهایی زحمتکشان تهیدست ایران از فقر و ظلم نشد. انتقال سلطنت از خانواده قاجار به پهلوی که در جهت اجرای برنامه‌های دولت انگلستان برای سرکوبی نهضت جنگل به رهبری میرزا کوچک خان، ایجاد حلقه‌ای از دیکتاتورهای نظامی به دور دولت شوروی با هدف جلوگیری از اشاعه کمونیسم، و حفظ منابع نفت جنوب انجام شد، در حقیقت و عمل تغییر و تحولی در درون طبقه وابسته به استعمار سرمایه‌داری بود. برخلاف نظریاتی که پاره‌ای از روشنفکران و

گروهی از آزادیخواهان در ابتدای امر بیان کردند تشکیل سلسله سلطنتی پهلوی به هیچ وجه تحولی در راستای ورود ایران به مرحله اقتصاد سرمایه‌داری کلاسیک نبود، بلکه در عمل شیوه تولید مستعمراتی، و محتوا و متن اصلی آن، یعنی استثمار و استعمار ادامه یافت.

در شرایط دیکتاتوری پلیسی پهلوی نه فقط مشکلات اساسی جامعه ما حل نشد، بلکه حقوق سیاسی و اجتماعی عامه مردم با شدت مورد تجاوز یک اقلیت نظامی که بخشی از طبقه وابسته به استعمار را تشکیل می‌داد قرار گرفت و دربار به عنوان پایگاه استعمار سرمایه‌داری و ابزار سلطه طبقه وابسته به استعمار، بر جان و مال زحمتکشان ایران تسلط یافت. بعداً و در جریان نهضت ضد استعماری مردم ایران علیه سلطه استعماری انگلستان که تحت رهبری دکتر مصدق و پیامردی اشخاصی مانند دکتر حسین فاطمی و مهندس کاظم حسیبی، با شعار ملی کردن منابع و صنایع نفت در سراسر ایران آغاز شد، امید توده مردم زحمتکش شهری و روستایی و بخشی از آزادیخواهان و مبارزان سیاسی این بود که با حذف سلطه انگلستان بر بزرگ‌ترین منبع درآمد ملی ایران، زمینه برای حل تضادهای سیاسی و اجتماعی و به خصوص اقتصادی آماده می‌شود و با جلوگیری از فرار سرمایه و سلب قدرت سیاسی و اقتصادی از طبقه وابسته به استعمار در جهت استقرار مالکیت و حاکمیت جامعه و رهایی از فقر و ظلم، زمینه برای پیشرفت‌های اساسی و واقعی مساعد خواهد شد.

دومین کتاب راهنمای لوازم و تجهیزات پزشکی، بیمارستانی ایران

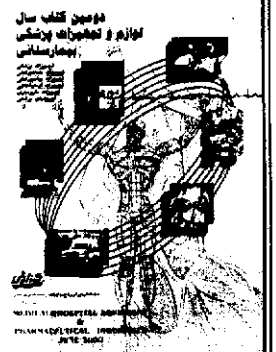
منتشر شد

یک کتاب برای رفع نیاز همه رشته‌های پزشکی در بیمارستانها، دانشگاهها و کلینیک‌ها

اطلاعات کتاب بر روی سایت www.persiamedical.com

برای دریافت کتاب لطفا در خواست خود را به نمابر شماره

۸۸۳۲۳۶۱ ارسال نمائید.



اما کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ که با شرکت عوامل داخلی (شاه، دربار، بخشی از افسران بازنشسته و ازشدارتش، سران پلیس، جمعی از سیاستمداران و بقیه اوباش اجتماعی و به طور کلی طبقه وابسته به استعمار) و رهبری عوامل خارجی (سازمان های جاسوسی انگلستان و آمریکا و شرکت های نفتی این دو کشور) علیه دولت مردمی مصدق انجام شد، جلوی رشد اجتماعی و سیاسی جامعه مارا در جهت راهی اقتصادی و سیاسی از قید استعمارکنندگان خارجی و نوکران و شرکاء داخلی آنان گرفت.

به نظر نگارنده، انگیزه اصلی استعمارگران سرمایه داری و طبقه وابسته به استعمار در ایران برای انجام کودتای ۲۸ مرداد، نه فقط تجدید سلطه دول و شرکت های سرمایه داری استعماری بر منابع و صنایع نفت ایران بود، بلکه به همان اندازه و یا حتی بیشتر جلوگیری از توسعه و باروری روند تکاملی بیداری اجتماعی ایرانیان بود، روندی که از مدت ها پیش در جامعه ما به خصوص در میان اقشار و طبقات زحمتکش و محروم شهری و روستایی و بخشی از روشنفکران آغاز شده بود و به تدریج توسعه می یافت. این امید در میان عامه مردم پا و جان گرفته بود که جامعه ما به سوی راهی قطعی از فقر و ظلم و استعمار مالکیت و حاکمیت جامعه در همه زمینه ها به حرکت درآمده و از نفوذ و سلطه طبقه وابسته به استعمار کاسته می شود. برای جامعه شناسان با وجود عوامل مخرب اجتماعی و علی رغم تلاش های سازمان های سیاسی وابسته به دول خارجی برای منحرف کردن نهضت ضد استعماری، مردم ایران خواهند توانست خانه و کاشانه خود را آزاد و آباد کرده و مستقل و رها از فقر و ظلم زندگی کنند. به نظر نگارنده در مرحله اول برای از میان بردن این فرصت تاریخی بود که کودتاچیان با بهره برداری از همه امکانات اقتصادی، نظامی، پلیسی و جاسوسی خود وارد عمل شدند و با تحکیم سلطنت امکان استمرار سلطه طبقه وابسته به استعمار در ایران را فراهم کردند. وظیفه رژیم که بر اثر کودتا به جامعه ما تحمیل شد، این بود که علاوه بر واگذاری منابع و صنایع نفت ایران به شرکت های دول استعماری سرمایه داری، به هر شیوه ای که شده مانع استمرار روند اجتماعی بیدارکننده و امیدوارکننده ای باشد که اگر ادامه می یافت، می توانست با تجهیز نیروهای اجتماعی معترض و مقاوم، به عمر سلطه مشترک استعمارگران خارجی و

استعمارگران داخلی در ایران پایان دهد. برای وصول به این هدف نه فقط برنامه های خاص سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به مرحله اجرا درآمد بلکه با کشتار وسیعی که شد و با اختناق و وحشتی که با زور و خشونت به جامعه ما تحمیل کردند سلطه طبقه وابسته به استعمار - و با واسطه آن استعمار سرمایه داری - در جهت حفظ منافع مشترک این دو شیوه تولید مستعمراتی، با تغییراتی جزئی، تثبیت شد و فقر عامه و محرومیت طبقه زحمتکشان تهیدست ادامه یافت. کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به نیروهای مردمی و مدافعان حقوق مردم تهیدست ایران اثبات کرد که با

و از خودگذشتگی در انقلاب شرکت کرده بودند، امید داشتند با سقوط نظام سلطنتی، در همه زمینه ها به اهداف خود خواهند رسید و با استقرار مالکیت و حاکمیت جامعه در همه زمینه ها به فقر و ظلم در ایران پایان داده خواهد شد. امید می رفت طبقه وابسته به استعمار به طور شامل و کامل طرد شود و دیگر برای استعمار سرمایه داری، پایگاه اجتماعی و امکان نفوذ و سلطه و غارت باقی نماند. امید می رفت فتح مردم محروم در زمینه سیاسی با تکمیل آن در زمینه فرهنگی و اقتصادی تثبیت شود و برای دول و شرکت های استعماری امکانی برای ادامه غارت منابع طبیعی و به استعمارگران داخلی امکانی برای ادامه استعمار حاصل دسترنج مردم باقی نماند.

امید می رفت به عمر سلطه خانواده های حکومت گر پایان داده شود و در جامعه ما امکان آن نباشد که خانواده های جدیدی جای خانواده های قدیمی را در رأس هرم های قدرت سیاسی و اقتصادی بگیرند و گروهی فاسد نتوانند با استفاده از روابط، ثروت و سرمایه های مردم و جامعه را به جیب بریزند. امید می رفت ضوابط قانونی بر جامعه حاکم شود و نه روابط خویشاوندی و طبقاتی.

امید می رفت به دوره فرار سرمایه از ایران به سوی کشورهای سرمایه داری استعماری پایان داده شود، زیرا مشکل اقتصادی جامعه ایران جذب سرمایه های خارجی نبود (و نیست) بلکه عامل اصلی بحران اقتصادی و توسعه فقر در جامعه ما فرار ثروت و سرمایه بود (و هست) زیرا تا زمانی که جلوی فرار ثروت و سرمایه داران از ایران به خارج گرفته نشود، نه فقط انباشت سرمایه در روند نظام اقتصادی داخلی امکان پذیر نخواهد بود، بلکه جذب سرمایه های خارجی نیز که عموماً و بلا استثناء ماهیت استعماری دارند نه فقط دردی را دوا نخواهد کرد بلکه به روند فرار سرمایه رونق، امکان و شدت بیشتری خواهد داد. اما اکنون پس از گذشتن ۲۱ سال از پیروزی سیاسی و فرهنگی و برچیده شدن نظام سلطنتی، توجهی به مطالب نثریات روزانه، آمارهای رسمی، مصاحبه های مقامات رسمی و مسئولین اقتصادی نشان می دهد که نه فقط تضاد اقتصادی جامعه ما حل نشده بلکه حل نشدن این تضاد کلیدی و مهم و تعیین کننده، موجب شده که تضادهای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی نیز رشد کنند و آشکارتر شوند. زندگی روزانه نشان می دهد

تا جلوی فرار

سرمایه از ایران

گرفته نشود

مسأله فقر، بیکاری

و عقب ماندگی هم

حل نخواهد شد

وجود و حضور سازمان های استعماری در داخل کشور، نمی توان به جنگ استعمار سرمایه داری رفت و موفق شد. عامه مردم به این آگاهی رسیدند که با وجود دربار پهلوی به عنوان نقطه ثقل اداری، نظامی، سیاسی و اقتصادی طبقه وابسته به استعمار نمی توان به راهی جامعه از فقر و ظلم، به استقرار عدالت اجتماعی و استقرار مالکیت و حاکمیت جامعه بر زمینه های سیاسی و اقتصادی امیدوار بود. بر اثر همین آگاهی بود که نهضت عامه مردم برای سقوط سلطنت پهلوی وسعت بی سابقه گرفت.

■ خصوصی سازی واقعی!

با پیروزی انقلاب اسلامی و سقوط سلطنت، مرحله جدیدی در تاریخ ایران آغاز شد. مردم ایران که با اطمینان به شعار رهبران انقلاب، بانهایت صداقت

که اختلاف طبقاتی در دوره‌ای که پس از پیروزی انقلاب اسلامی آغاز شد (پس از نوسانات اولیه)، نه فقط کمتر نشده بلکه افزایش نیز یافته، و ثروتمندان و دلالتان ثروتمندتر و فقرا فقیرتر می‌شوند.

طبقه وابسته به استعمار سرمایه‌داری که در جریان انقلاب و مدت کوتاهی پس از آن، از هر نظر تضعیف شده بود اکنون در موقعیتی قرار گرفته که می‌کوشد قدرت اقتصادی باز یافته را، در همکاری با «طبقه جدید» به حیطه‌های سیاسی و فرهنگی نیز بسط دهد، و در این راه، از استراتژی نفوذ از طریق خویشاوندی

نیز بهره‌برداری می‌کند. در اوان انقلاب عده زیادی از رهبران، از عدالت اجتماعی، مساوات و استقرار مالکیت و حاکمیت جامعه سخن می‌گفتند و لذا امید می‌رفت فقر و ظلم از جامعه ما ریشه کن شود و دیگر سرمایه‌داری استعماری امکان بازگشت نیابد و انباشت ثروت و سرمایه در داخل جامعه ما امکان‌پذیر شود. اما امروز با اجرای سیاست «خصوصی‌سازی» به معنای واقعی آن، یعنی تقسیم ثروت‌ها و سرمایه‌ها و منابع درآمد کشور میان افراد فامیل، شرکا، پادوها و تمام کسانی که با صاحبان قدرت اداری «خصوصیت» دارند، و بر اثر روابط «خصوصی» صاحب مقام و جاه شده‌اند، با باز کردن

راه برای سرمایه‌داران کشورهای سرمایه‌داری استعماری با سپردن معادن به شرکت‌های استعماری خارجی و عقد قراردادهایی که کلیات و جزئیات آن به اطلاع عامه مردم نمی‌رسد و تهیه مقدمات ورود ایران به سازمان تجارت جهانی که حاصلی جز سپرده تمام و کمال اقتصاد ایران به سرمایه‌های بزرگ جهانی، افزایش فقر و بیکاری و تشدید وابستگی در همه زمینه‌ها نخواهد داشت، اقتصاد ایران در جهت به بند کشیدن هر چه بیشتر عامه مردم در دام استثمارگران داخلی و استعمارگران خارجی حرکت می‌کند. کار به جایی رسیده که مسئولین اقتصاد کشور خود نیز از اقتصاد بیمار سخن می‌گویند و قبول می‌کنند که دولت‌های پس از انقلاب نتوانسته‌اند خواسته‌های رهبران نظام را در زمینه اقتصادی عملی کنند و مشکل جامعه ما با نسخه‌های موقت حل نمی‌شود، اما می‌شود پرسید که چرا چنین شده است و چرا

امیدواری تاریخی جامعه ما حتی به مرحله عمل نزدیک نشد؟ ناگفته نماند که اقتصاددانان کشور و حتی کسانی که اطلاعاتی از علم اقتصاد ندارند از ارائه راه حل، برنامه‌های مختصر و مفصل تحت عناوین مختلف برای حل مشکلات اقتصادی دریغ نکرده و نمی‌کنند، اما حقیقتی که به تدریج مورد توجه و قبول قرار می‌گیرد این است که راه حل‌ها، برنامه‌ها و پیشنهادهایی که ارائه می‌شود، پراکنده و محدود بوده و به یک تحلیل اجتماعی و شناخت دقیق و روشن از ساختار طبقاتی و اجتماعی ایران متکی نیست.



اقتصاددانان محترم که به طور عمد در چارچوب فرهنگ اقتصادی نظام سرمایه‌داری حرکت می‌کنند، نمی‌کوشند به این سؤال اساسی پاسخ دهند که شیوه تولید مسلط در ایران چیست؟ و آنها توجه نمی‌کنند که بدون تحلیل اجتماعی و شناخت دقیق ساختار طبقاتی و اجتماعی ما و تشخیص و تعیین شیوه تولید مسلط در ایران، به استناد حقایق اقتصادی و اجتماعی موجود و نه پناه بردن به نقل قول‌ها و متون کتب قدیمی اقتصاد، برنامه‌هایی که ارائه می‌دهند نمی‌توانند تضاد و مشکل اصلی و اساسی جامعه ما را شناسایی کرده و برای حل آن، ارائه طریق کنند، زیرا در این پیشنهادهای برنامه‌ها که در پاره‌ای موارد بیشتر به یک متن بسیار زیبای ادبی شبیه است تا تحلیل اقتصادی، روابط بخش‌های مختلف اقتصادی با یکدیگر، چگونگی اثرات بازارهای کالا، کار، سرمایه و سرمایه‌داری استعماری جهانی، و مقدار و مکانیسم فرار سرمایه از

ایران مورد توجه قرار نمی‌گیرد و با اقتصاد ایران به مانند فیل در تاریکی رفتار می‌شود.

این امر کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد که هیچ‌یک از تضادهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی رانمی‌توان به تنهایی و مستقل و جدا از سایر تضادها حل کرد و برای شناخت تضادها بررسی جامعه، تحلیل طبقاتی جامعه، توجه به مسأله استثمار و استعمار و به طور کلی شناخت شاخص‌ها و تعیین‌کننده‌های شیوه تولید مسلط در ایران الزامی و اجتناب‌ناپذیر است.

اصولا برای بسیاری از برنامه‌ریزان و پیشنهاد

دهندگان این مسأله که شیوه تولید مسلط

در کشور ما چیست و جامعه ما در چه مرحله تاریخی از نظر تحولات اقتصادی قرار دارد و اثرات سلطه استثمار سرمایه‌داری با واسطه استثمارگران داخلی بر واحدهای اقتصادی ما چیست؟ مطرح نیست و در بیشتر موارد کار به الگوسازی و نسخه‌برداری محدود می‌ماند و معیارها و نظریات اقتصادی که در جوامع سرمایه‌داری کلاسیک کاربرد دارد، عرضه می‌شود. به نظر عده‌ای، اگر کسی در باب شیوه تولید سخن بگوید و بخواهد تحت این عنوان قوانین تعیین‌کننده اقتصاد، روابط نیروهای مولد، (ابزار کار و نیروی کار انسانی) با

روابط اجتماعی-اقتصادی میان تولید، توزیع و مصرف و در این رابطه مسأله مالکیت بر وسایل عمده تولید و ساختار طبقاتی جامعه را بررسی کند اگر حتماً و قطعاً «کمونیست» نباشد حداقل در دام تبلیغات «مارکسیستی» گرفتار شده و یا «قدیمی» و «دیروزی» فکری می‌کند.

فقدان تحلیل اجتماعی از ساختار طبقاتی و شیوه تولید مسلط در ایران، موجب شده که نه فقط اقتصاددانان حرفه‌ای و مسئولین سازمان‌های دولتی به طور «موقت» و «پراکنده» برنامه‌ریزی کنند و راه به جایی نبرند و از این که برنامه‌ها اجرایی شوند تعجب کنند، بلکه موجب آن نیز شده که حتی سازمان‌های سیاسی که ادعای مترقی بودن و اصلاح طلبی دارند قادر به تهیه برنامه جامع و تعیین استراتژی برای وصل به هدف‌هایی که برایشان هنوز هم مبهم و کلی است نباشند و برای یافتن راه حل مشکلات جامعه ما، مانند

مشکل افزایش فقر و بیکاری در حیرت بمانند و منتظر وقایع باشند!

اصولا چگونه می توان بدون اطلاع دقیق از ساختار کشاورزی و صنایع، اعم از ابزار و یا چگونگی کاربرد نیروی انسانی در تولید در همه اشکال آن و یا اشتغال در خدمات و هم چنین روابط میان مزدها و قیمت ها و درآمدهای حاصل از مالکیت وسایل تولید و توزیع و به طور کلی آرایش طبقاتی جامعه و به خصوص مسأله بهره برداری از نیروی کار انسانی به گره ها و تضادهای اقتصادی جامعه پی برد و یا بدون خواندن و درک صورت مسأله برای حل آن به دنبال استراتژی بود!

■ خود فریبی یا مردم فریبی؟

در سال های پس از جنگ دوم جهانی در جوامع مستعمراتی عده زیادی از اقتصاددانان و سیاستمداران اسیر این تصور خام و خواب آور شدند که گویا روزی مستعمرات - بدون آن که از دام غارت استعماری و پدیده فرار سرمایه رها شوند - خواهند توانست با همکاری و معاضدت کشورهای سرمایه داری استعماری و به استعانت سرمایه گذاری ها و یا وام های خارجی از مرحله «آستانه ای» گذشته و از نظر اقتصادی و اجتماعی به صورت کشورهای سرمایه داری استعماری درآیند. وجود چنین رویایی شیرین که افسانه انتقال تکنولوژی نیز بر آن مزید می شد، نشان می دهد اقتصاددانان جوامع مستعمراتی که اکثراً در دانشگاه های کشورهای سرمایه داری استعماری تحصیل و تبع کرده اند نه ماهیت و مکانیسم و تاریخ سرمایه داری و استعمار سرمایه داری را می شناسند و نه جامعه خودشان را و تصور می کنند

که می توان خرید و نصب چند کارخانه و یا استخدام و تربیت چند متخصص را انتقال تکنولوژی نام داد. همچنین درباره سرمایه گذاری های شرکت های خارجی این تصور غلط از جانب بسیاری از مقامات و مسئولین و اقتصاددانان حرفه ای در میان مردم تبلیغ می شود که گویا با ورود سرمایه های خارجی و واگذاری منابع طبیعی و بخش های تولیدی و توزیعی، بازار کار در ایران رونق خواهد گرفت و رفاه عامه تأمین و معضل بیکاری جوانان و اصولاً بیکاری و کم کاری حل خواهد

شد. اما این نکته ناگفته می ماند که با توجه به ماهیت و ذات اقتصادی و اجتماعی سرمایه و سرمایه گذاری های خارجی در مستعمرات و سابقه تاریخی این دو، هدف اصلی سرمایه های خارجی در مستعمرات بدست آوردن سود، بهره برداری از منابع طبیعی، کار ارزان، سلطه و کنترل بازار کالایی، سرمایه ای و کار، جلوگیری از رشد نیروهای مولد خارج از کنترل استعمارگران، ایجاد وابستگی، نفی آزادی های سیاسی و اجتماعی، تخریب طبیعت و حفظ سلطه در زمینه های سیاسی و فرهنگی است. در کل تاریخ سرمایه داری استعماری حتی یک مورد و مثال نداریم که نشان دهد مستعمره ای توانسته با کمک و معاضدت سرمایه داران خارجی از فقر و ظلم رها شده و سطح زندگی ساکنین آن بالا رفته باشد، برعکس مثال های فراوانی داریم که اثبات می کنند چگونه سرمایه های جهانی خود موجب جلوگیری از رشد سرمایه داری کلاسیک در مستعمرات شده و با غارت منابع طبیعی و نیروی کار ساکنین جامعه مستعمراتی به فقر آنان و ثروت خود افزوده و در صورت لزوم با به کار بردن زور و خشونت باران و شرکای محلی خود را به عنوان رهبران سیاسی و دولتی به مردم مستعمره تحمیل کرده است.

به این گفتار، با توجه به شواهد و سوابق و اصولاً ماهیت سرمایه داری، می توان افزود که به هیچ وجه فرقی ماهسوی میان سرمایه گذاران خارجی از کشورهای سرمایه داری استعماری مختلف نیست تا بتوان ادعا کرد که اگر ملیت سرمایه گذار فرق کند ماهیت سرمایه گذاری خارجی هم فرق خواهد کرد و نهایتاً ساده لوحی، خود فریبی و یا مردم فریبی است اگر کسی منکر تمرکز و ادغام سرمایه های

بزرگ کشورهای سرمایه داری استعماری با یکدیگر شده و بخواهد در افسانه تضاد میان دول و شرکت های سرمایه داری استعماری راه نجاتی برای مردم مستعمرات بجوید. دوران رقابت دول و شرکت های سرمایه داری استعماری بزرگ به پایان رسیده و این جهانخواران در برابر مردم مستعمرات شکم و جیب و مغز مشترکی یافته اند.

آیا برای آن گروه از اقتصاددانان و سیاستمدارانی که در وطن ما از فواید جلب سرمایه های خارجی سخن می گویند سرنوشت «ببرهای» آسیای جنوب شرقی که با یک حرکت بحرانی در نظام سرمایه داری جهانی تبدیل به «گره» شدند عبرت انگیز نیست و نمی تواند باشد؟

و یا از تاریخ کشور ما از اواسط قرن نوزدهم میلادی تا سقوط سلطنت پهلوی نمی توان درس های آموزنده ای گرفت؟

و آیا به شهادت تاریخ، سرمایه های خارجی در همه مستعمرات پیش قراولان فرهنگ و سیاست استعماری نبودند و نیستند؟ و آیا کالاهای خارجی فرهنگ خارجی ربا خود نمی آورد؟

معلوم نیست اقتصاددانان و سیاستمدارانی که در باب لزوم و فواید جلب سرمایه های خارجی داد سخن می رانند چرا درباره فرار سرمایه از ایران، چگونگی، مقدار، اثرات و عاملین آن حرفی نمی زنند و چنان رفتار می کنند که گویا اصولاً چنین پدیده ای در ایران وجود نداشته و ندارد. اما باید دانست که فرار سرمایه عامل اصلی و اساسی، ضعف و ناتوانی و تزلزل اقتصاد ایران بوده و هست و تا جلوی فرار سرمایه از ایران گرفته نشود مسأله فقر و بیکاری حل نخواهد شد، برنامه های اقتصادی

محکوم به شکستند، حرکت در سراسیمه ادامه خواهد داشت و تازمانی که مسأله فرار سرمایه در همه اشکال آن در جامعه ما بررسی و متوقف نشود بحث درباره سرمایه گذاری خارجی نیز فرار از واقعیت هاست.

عدم توجه به طرح و تعیین و تعریف شیوه تولید مسلط در ایران و خودداری از طرح مسأله شیوه تولید، موجب شده که مسأله نیروی کار انسانی در جامعه ما نیز مورد بررسی دقیق و علمی قرار نگیرد. باید دانست که اساس

سماکه خواننده مجله گزارش هستید

یک دوره مجله صحافی شده از سهایی که با مجله گزارش بوده اید تهیه نمائید.

برای دریافت هر دوره صحافی شده مبلغ ۴۰۰۰۰ ریال به

حساب جاری ۱۸۸۸/۱۰

بانک صادرات شعبه

نیشن گلزار کد ۷۹۰

واریز و قبض آترا به

نشانی دفتر مجله

ارسال نمائید.



شیوه‌های تولید و در رابطه با سخن ما، در شیوه تولید سرمایه‌داری و شیوه تولید مستعمراتی، چگونگی استفاده از نیروی کار است که در استعمار سرمایه‌داری بردزدی و بهره‌کشی از کار انسان قرار دارد. بدون تصرف نیروی کار انسانی مجاز و یا ارزان، شیوه‌های تولید سرمایه‌داری و مستعمراتی و هم‌چنین استعمار سرمایه‌داری قادر به ادامه حیات نیست. اما، نیروی کار انسانی حاصل و بیان قوای مادی و معنوی و کل وجود یک انسان است. کسی که نیروی کار انسانی را با استفاده از زور و یا فریب، مستقیم و یا با مکانیسم بازار کالا و سرمایه چه در بخش تولید و چه در توزیع و یا مصرف تصرف کند در حقیقت و در عمل به حق حیات انسان تجاوز کرده است و کسی یا سازمانی که به حق حیات انسان‌ها تجاوز می‌کند چگونه می‌تواند در زمینه سیاسی و اجتماعی مدافع آزادی و حقوق بشر باشد؟ با توجه به تمام آنچه که گفته شد می‌توان پرسید که چرا و چه اقشار و طبقاتی و وابستگان به چه گروه‌های سیاسی یا خانواده‌های حکومت‌گر

و محافل اقتصادی از طرح بنیادی مسایل در جامعه ما جلوگیری می‌کنند؟ چرا بررسی‌های اقتصادی در سطح و مرز معینی متوقف می‌مانند و چرا تحلیل طبقاتی و اصولاً طرح مساله طبقات اقتصادی در جامعه، موجب واکنش‌های غیرعلمی می‌شود؟ چرا هنوز در بسیاری از بررسی‌هایی که در باب مسایل و مشکلات جامعه ما از طرف افراد و سازمان‌ها منتشر می‌شود، تکیه اصلی بر طرح مسایل سیاسی و فرهنگی است و فراوان در باب رویدادهای سیاسی و فرهنگی، چه در سطح ایران و چه در سطح جهانی سخن گفته می‌شود، اما وقتی علل فقر اقتصادی در جامعه مطرح می‌گردد سخن کوتاه و مطلب مختصر و عام گشته و بررسی از حد یک اعتراض کلی تجاوز نمی‌کند.

در اکثر موارد چنین وانمود می‌شود که گویا نارسایی‌ها و مشکلات اقتصادی جامعه ما، معلول تصمیم‌های فردی و یا افراد و یا اشتباهات سازمان‌ها و نارسایی مقررات موجود است و گویا ربطی به شیوه تولید مسلط و ساختار طبقاتی جامعه ما ندارد.

آیا زمان آن فرا نرسیده است که به این سؤال پاسخ دهیم که چرا برخلاف انتظار و آرزو و امید عامه مردم زحمتکش ایران و بخشی از رهبران اجتماعی و سیاسی جامعه ما، اقتصاد کشور و به سبب آن حیات اجتماعی و سیاسی وطن ما سال‌هاست در تزلزل و بحران به سر می‌برد و فقرا فقیرتر و ثروتمندان ثروتمندتر می‌شوند؟

آیا زمان آن فرا نرسیده است که به بحث‌ها و بررسی‌های پراکنده و ارائه راه حل‌های موقت و الگوسازی پایان دهیم و با تکیه بر واقعیات اقتصادی و اجتماعی خودمان و نه به نقل قول‌ها، به طور مشخص و دقیق به این سؤال پاسخ دهیم که شیوه تولید مسلط در ایران چیست؟ چگونه می‌توان از فرار سرمایه جلوگیری کرد و مشخصات ساختار طبقاتی جامعه ما چیست؟ و چگونه می‌توان در راه رهایی عامه مردم تهیدست از فقر، قدم برداشت؟ آیا فقر بزرگ‌ترین استبدادها و خشن‌ترین حسونت‌ها نیست؟



آسانسور

هیدرولیکی و گیربکسی

مسافربر - ماشین بر - باربر - کلایمر

تحت استانداردهای روز جهانی

شرکت وزین بران

۰۷۳ ۰۹۱۱۲۱۱۳ - ۹۷۵۶۶۹